

جمهوری اسلامی افغانستان



نشریه معلوماتی
کمیسیون حل منازعات مالی
معرفی، جایگاه حقوقی و کارکردهای آن

(1397 - 1387)

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
3	پیام رئیس کمیسیون حل منازعات مالی
4	بخش اول: معرفی کمیسیون حل منازعات مالی
5	ساختار تشکیلاتی کمیسیون حل منازعات مالی
7	صلاحیت های کمیسیون حل منازعات مالی
12	بخش دوم: نهاد های شبه قضایی در جهان و افغانستان
12	الف: نهاد شبه قضایی چیست؟
13	ب: تعریف نهاد های شبه قضایی
15	اقسام نهاد های شبه قضایی
15	الف: جایگاه قانونی مراجع شبه قضایی در جهان
16	ب: تقسیم نهاد های شبه قضایی از لحاظ تشکیلی و صلاحیت ها
17	نهاد شبه قضایی در افغانستان
18	الف: کمیسیون سمع شکایات در کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
18	ب: مورد تصمیم گیری اداره تنظیم خدمات مخابراتی (اترا)
19	تأثیرات و یا فواید موجودیت نهاد های شبه قضایی
23	بخش سوم: فعالیت های کمیسیون حل منازعات مالی

پیام رئیس کمیسیون حل منازعات مالی

کمیسیون حل منازعات مالی به عنوان نهاد شبه قضایی (دیوان اداری)¹، یک تجربه نوپا در افغانستان است، لذا از تأسیس آن تا کنون، اکثراً پرسش هایی در ارتباط به تعریف کمیسیون، فلسفه وجودی، اهداف و تأثیرات آن در نظام کنونی، صورت گرفته است که از نظر ما این پرسش ها بجاست؛ چون اولین بار است که در نظام جمهوری اسلامی افغانستان نظریه عدالت اداری² (Administrative Justice) با ایجاد نهادهای شبه قضایی مانند کمیسیون حل منازعات مالی به تجربه گرفته می شود و با وجودی که در مورد عدالت اداری نوشته ها و تحقیقات زیادی صورت گرفته است، اما در عرصه عمل برای تطبیق این نظریه اقدام قابل توجهی به عمل نیامده است. بناءً به منظور تنویر اذهان عامه نوشتار هذا که مشتمل است بر پس منظر، ضرورت ایجاد کمیسیون، تعریف و صلاحیت ها و اهداف آن، ماهیت این اداره در نظام موجوده کشور و سایر کشورهای دیگر و کارکردها و دستاوردهای آن، ترتیب و خدمت خوانندگان محترم تقدیم است.

با احترام

عبدالله دورانی
رئیس کمیسیون حل منازعات مالی

1- در حقیقت به نهادهای اداری که اجراءات و عملکرد قضایی را به عهده دارند، هر دو اصطلاح؛ دیوان های اداری و نهادهای شبه قضایی اطلاق می شود. ولی از این که در افغانستان غالباً به اینگونه نهادها اصطلاح شبه قضایی اطلاق می گردد، لذا سعی می شود در این نوشتار از همین اصطلاح کار گرفته شود که مقصود از آن هر دو اصطلاح ذکر شده است.

2- هدف از فلسفه عدالت اداری این است؛ زمانی که حقوق اشخاص در نتیجه تصامیم ادارات دولتی متأثر شود، اشخاص بتوانند بر اساس فلسفه عدالت اداری به خاطر احقاق حقوق خود و یا جبران خسارات وارده، قبل از مراجعه به نهادهای قضایی دادخواهی کنند و دادخواهی آنها توسط ادارات خاص (دیوان های اداری) قانوناً مورد بررسی قرار بگیرد. یا به عبارت دیگر، عدالت اداری و یا به طور معمول دادرسی اداری، اعمال اجراءات قضایی توسط نهاد اداری است که ذریعه نهادهای قانونگذار به آن منتقل شده است.

بخش اول

معرفی کمیسیون حل منازعات مالی

1- پس منظر ایجاد کمیسیون حل منازعات مالی

شانزده سال قبل، زمانی که قانون اساسی جدید از طرف لویه جرگه افغانستان به تصویب رسید، علاوه بر تغییرات اساسی دیگر در دولت، نظام مالی و اقتصادی کشور از اقتصاد انحصاری (متمرکز) به اقتصاد بازار تبدیل گردید^۳ که در نتیجه نقش دولت در این زمینه به صورت کامل تغییر کرد. بدین معنی که پس از انفاذ قانون اساسی جدید، دولت تا حد امکان در بازار نقش مالک و یا شریک را بازی نمی کند بلکه به حیث ناظر از طریق انفاذ قوانین معاصر و مؤثر زمینه رقابت سالم را برای سکتور خصوصی در بازار فراهم می آورد تا معیارها بلند بروند و قیمت ها نزول کند و هرگاه از جانب متشبین در بازار از قوانین و مقررات تخلف و سرپیچی صورت بگیرد، متخلف طبق احوال مجازات گردد که این امر از هدیای اصلاحی گرفته تا الغاء جواز همه مراحل نظارتی را شامل می شود.

برای این که بازار به صورت شفاف و مؤثر تحت نظارت دولت قرار گرفته بتواند، صلاحیت های دولت من حیث ناظر مطلق نبوده بلکه هر تصمیم دولت که در نتیجه آن حقوق مستثمرین/متشبین متأثر می گردد، توسط مرجع سومی قابل بررسی می باشد^۴، برابر است که این مرجع محکمه باشد یا اداره شبه

^۳ - ماده دهم قانون اساسی:

دولت، سرمایه گذاری ها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آنها را تضمین می نماید.

^۴ - ماده پنجاه و یکم قانون اساسی:

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه اقامه دعوا کند.

قضایای دیگر. از این که محاکم افغانستان نظر به کثرت و تراکم قضایا بیش از حد مصروف است، و در پهلوی آن مسائل و قضایای معاصر سکتوری در کشور ما؛ یک پدیده جدید و بیش از حد تخنیکی بوده است. بناءً ضرورت ایجاد نهادهای شبه قضایی بر اساس یک نیاز مبرم احساس می شود که در نتیجه آن کمیسیون حل منازعات مالی عرض اندام کرد.

2- تعریف کمیسیون حل منازعات مالی

طبق حکم ماده یکصد و ششم قانون د افغانستان بانک کمیسیون حل منازعات مالی اداره ای است که منازعات مندرج در این قانون و قوانین دیگر را طور مصالحتی قبل از رسیدگی قضایی حل و فصل می نماید.⁵

از این که تعریف فوق الذکر از نظر ما، تعریفی جامع نمی باشد، بناءً به منظور وضاحت بیشتر تعریفی جامع و شامل را تحت عنوان (دیوان های اداری) مورد بحث قرار خواهیم داد.

3- ساختار تشکیلاتی کمیسیون حل منازعات مالی

کمیسیون حل منازعات مالی متشکل است از کارمندان مسلکی و اداری، کارمندان مسلکی آن به ترتیبی که در ماده یکصد و هشتم قانون د افغانستان بانک وضاحت دارد عبارت اند از:

- 1- سه نفر حقوقدان به پیشنهاد رئیس د افغانستان بانک و منظوری رئیس دولت؛
- 2- سه نفر حسابدار مسلکی، مجرب و سابقه دار امور مالی به پیشنهاد وزیر مالیه و منظوری رئیس دولت؛

رئیس کمیسیون از بین اعضای حقوقدانان به پیشنهاد رئیس د افغانستان بانک و منظوری رئیس دولت تعیین می گردد، و کارمندان اداری حسب ضرورت.

اعضای مسلکی کمیسیون بشمول رئیس که جمعاً شش نفر می شوند واجد شرایط ذیل می باشند:

- 1- تابعیت افغانستان را دارا باشند.
- 2- دارای شهرت نیک بوده و به جرم خیانت در امانت محکوم نگردیده باشند.
- 3- به حرمان از حقوق سیاسی و مدنی محکوم نگردیده باشند.

5- ماده یکصد و ششم قانون د افغانستان بانک:

به منظور حل منازعات مالی مندرج این قانون، کمیسیونی در د افغانستان بانک تأسیس می شود که قضایای مالی مورد منازعه را قبل از رسیدگی قضایی به صورت مصالحتی حل و فصل می نماید.

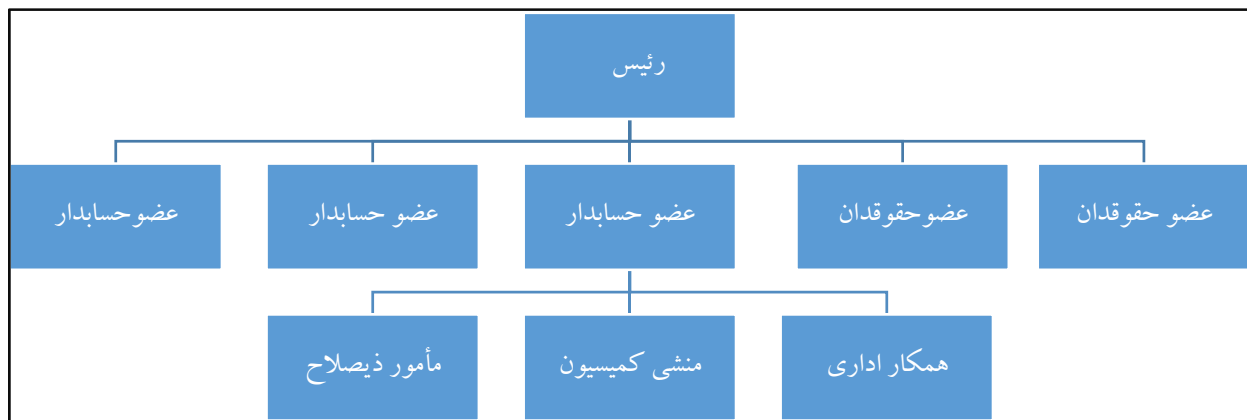
4- در جریان وظیفه به وظائف رسمی دیگر مشغول نباشند.

5- در هیچ یک از بانک ها عضویت شورای عالی و هیئت عامل را نداشته یا بحیث ناظر و یا کارمند د افغانستان بانک ایفای وظیفه نمایند.

6- سن اعضای مسلکی کمیسیون هنگام تقرر از 35 سال کمتر نباشد.

طبق حکم فقره (3) ماده یکصد و هشتم قانون د افغانستان بانک، اعضای مسلکی کمیسیون بعد از تقرر، از عهده خویش سبکدوش شده نمی توانند مگر اینکه یکی از شرایط شش گانه فوق الذکر را از دست بدهند و یا مستعفی شوند و یا وفات نمایند، و یا از طرف محکمه با صلاحیت به انفصال یا حرمان، یا طرد از مأموریت محکوم گردند.

عضو مسلکی طبق حکم فقره (4) این ماده با اكمال سن 70 سالگی متقاعد گردیده و قبل از آن می تواند با درخواست کتبی نظر به معاذیر شخصی از وظیفه استعفاء دهد. اندازه معاش، حقوق تقاعد و سایر امتیازات مالی اعضای مسلکی به پیشنهاد د افغانستان بانک و تصویب شورای وزیران تعیین می گردد.



الف- ثبت دارایی و عدم اشتراک در حل و فصل منازعه

طبق حکم ماده یکصد و نهم قانون د افغانستان بانک عضو مسلکی کمیسیون مکلف است هنگام تقرر، دارایی خود را درج فورمه ثبت دارایی نماید و فورمه ثبت دارایی در اخیر هر سال توسط هیئت که از طرف د افغانستان بانک، وزیر مالیه و شورای وزیران تعیین می گردد، بررسی می شود. نماینده شورای وزیران رئیس هیئت بررسی می باشد.

هرگاه عضو مسلکی کمیسیون در قضیه ای که غرض حل و فصل به آن را جمع گردیده، اشتراک منافع داشته باشد، از شرکت در هیأت بررسی قضیه کتباً معذرت خواسته و از رسیدگی در زمینه اجتناب می ورزد. در چنین حالت قضیه توسط اعضای دیگر حل و فصل می شود در غیر آن فیصله کمیسیون باطل پنداشته می شود و باید متذکر شد که طبق حکم قانون هیچ یک از اعضای مسلکی یا کارمندان اداری کمیسیون نمی تواند تحفه یا قرضه ای را از جانب یکی از طرفین منازعه به نام خود و یا شخصی که با او رابطه خویشاوندی تا درجه چهارم یا شرکت مالی دارند، پذیرند.

ب: حفظ اسرار وظیفه

اعضای مسلکی کمیسیون مکلف اند معلومات راجع به اسرار وظیفه یا اطلاعاتی که ناشی از اجراء آن راجع به سایر اشخاص بدست آورده اند را افشاء نمایند مگر به حکم قانون یا امر محکمه ذیصلاح حسب ضرورت و هم چنان عدم استفاده از معلومات و اطلاعات فوق الذکر به نفع خویش یا سایر اشخاص از مکلفیت اعضای مسلکی کمیسیون است.

4- طرز العمل کمیسیون حل منازعات مالی

کمیسیون حل منازعات مالی دارای طرز العمل و لایحه وظایف می باشد؛ زیرا کمیسیون که طبق حکم قانون، بعد از تشکیل مکلفیت دارد که طرز العمل خویش را تدوین و غرض تصویب به شورای عالی د افغانستان بانک ارایه نماید.⁶ البته طرز العمل کمیسیون بعد از تدوین مرحله اول بار ثانی نیز بازنگری گردید و علت آن هم تعدیل در برخی مواد قانون بانکداری و افزودن بر صلاحیت های کمیسیون در قوانین دیگر بود که ایجاب می کرد با ایجاد تغییرات در صلاحیت های کمیسیون طرز العمل نیز با احکام قانون بانکداری هماهنگ ساخته شود و ناگفته نماند که تنها همان مواردی که تعدیل گردیده بود مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گرفته و در اخیر طرز العمل اولی به شکل ضمیمه قرار داده شده است و طبق طرز العمل کمیسیون⁷، تصامیم کمیسیون در انطباق با احکام قانون د افغانستان بانک و قانون بانکداری و سایر قوانین نافذ کشور که مرتبط به قضیه باشند صورت می گیرد.

5- صلاحیت های کمیسیون حل منازعات مالی من حیث یک ارگان شبه قضایی

⁶ - ماده صد و یازدهم قانون د افغانستان بانک:

کمیسیون مکلف است در مدت یک ماه بعد از تشکیل، طرز العمل و لایحه وظایف خویش را تدوین و غرض تصویب به شورای عالی د افغانستان بانک ارایه نماید.

⁷ - برای معلومات بیشتر در مورد طرز العمل کمیسیون حل منازعات مالی، می توانید به وب سایت www.fdr.gov.af

(1) کمیسیون می تواند تصمیم و احکام آتی د افغانستان بانک را مورد تجدید نظر قرار دهد⁸:

- 1- تصمیمی که در مورد رد درخواست جواز بانکی، اجازه نامه بانکی یا ثبت درخواست دهنده اتخاذ می نماید؛
 - 2- تصمیمی که در مورد وضع قیود یا محدودیت ها بر جواز بانکی، اجازه نامه بانکی یا ثبت وضع می گردد؛
 - 3- تصمیمی که در مورد الغای ثبت جواز بانکی یا اجازه نامه بانکی اتخاذ می شود؛
 - 4- تصمیمی که در مورد جبران ضرر یا مجازات مالی صادر می گردد؛
 - 5- احکام صادر شده علیه شخصی که بدون داشتن جواز یا اجازه نامه بانکی یا ثبت آن در د افغانستان بانک به فعالیتی پردازد که مطابق احکام قانون به اخذ جواز یا اجازه نامه یا ثبت مکلف باشد؛
 - 6- سایر مواردی که مطابق احکام قانون به کمیسیون محول می گردد؛
- (2) کمیسیون می تواند منازعات مالی بین ادارات مالی را بررسی و رفع نماید مشروط بر این که نظر به موافقت قبلی رفع منازعات صریحاً به آن محول گردیده باشد.
- (3) همچنان کمیسیون طبق حکم فقره های (2) و (3) ماده پنجم، فقره (4) ماده ششم قانون بانکداری افغانستان دساتیر د افغانستان بانک مورد تجدید نظر قرار دهد و یا آن را لغو، تحدید و یا تعلیق نماید.⁹

⁸ - ماده یکصد و هفتم قانون د افغانستان بانک:

- (1) کمیسیون می تواند تصمیم و احکام آتی د افغانستان بانک را مورد تجدید نظر قرار دهد:
- 1- تصمیمی که در مورد رد درخواست جواز بانکی، اجازه نامه بانکی یا ثبت درخواست دهنده اتخاذ می نماید.
 - 2- تصمیمی که در مورد وضع قیود یا محدودیت ها بر جواز بانکی یا ثبت وضع می گردد.
 - 3- تصمیمی که در مورد الغای ثبت جواز بانکی یا اجازه نامه بانکی اتخاذ می شود.
 - 4- تصمیمی که در مورد جبران ضرر یا مجازات مالی صادر می گردد.
 - 5- احکام صادر شده علیه شخصی که بدون داشتن جواز یا اجازه نامه بانکی یا ثبت آن در د افغانستان بانک به فعالیتی پردازد که مطابق احکام قانون به اخذ جواز یا اجازه نامه یا ثبت مکلف باشد.
 - 6- تصمیمی که در مورد تقرر یا تمدید دوره کار متولی اتخاذ می شود.
 - 7- سایر مواردی که مطابق احکام قانون به کمیسیون محول می گردد.
- (2) کمیسیون می تواند درخواست هایی را که جهت افتتاح یا ورشکستگی علیه بانک تقدیم می شود، بررسی و از آن نظارت نماید. (این بخش از ماده قانون د افغانستان بانک، به موجب قانون بانکداری شماره مسلسل (1197) که طی موجب فرمان شماره (56) مؤرخ 1394/5/26 رئیس جمهوری اسلامی افغانستان توشیح و نافذ گردیده، ملغی است).
- (2) کمیسیون می تواند منازعات مالی بین ادارات مالی را بررسی و رفع نماید مشروط بر این که نظر به موافقت قبلی رفع منازعات صریحاً به آن محول گردیده باشد.

(4) همینگونه کمیسیون مکلف است به ادعای جبران خساره مدنی موارد مندرج فقره (3) ماده هفتم قانون بانکداری رسیدگی نماید.⁹

(5) کمیسیون طبق حکم فقره (5) ماده بیست و پنجم قانون بانکداری، به اثر تقاضای د افغانستان بانک در حالت مندرج فقره (4) این ماده، شخص واجد شرایط را با عین صلاحیت هایی که شخص تعلیق شده دارا می باشد، تعیین می نماید.

(6) کمیسیون طبق حکم فقره (4) ماده چهل و چهارم قانون بانکداری، اعتراض نمایندگی بانک خارجی علیه تصمیم د افغانستان بانک را مورد رسیدگی قرار می دهد.¹¹

(7) همچنان به تاسی از حکم فقره (4) ماده هفتاد و چهارم قانون بانکداری افغانستان منازعات بین بانک های داخلی و مشتریان داخلی و کلیه دعاوی مشتریان داخلی علیه بانک غیر مقیم در رابطه به فعالیت های نمایندگی داخلی آنها توسط کمیسیون حل و فصل می گردد.¹²

⁹- فقره (2) و (3) ماده پنجم قانون بانکداری:

(2) شخص یا شرکت تحت کنترل مخاطب دستور مندرج فقره (1) ماده می تواند در خلال مدت (10) روز کاری به کمیسیون حل منازعات مالی که در این قانون به نام کمیسیون یاد می شود، درخواست تجدید نظر را ارایه نماید. ارایه درخواست مانع تطبیق دستور متذکره نمی گردد.

(3) کمیسیون می تواند در صورت تثبیت یکی از حالات ذیل، دستور صادره د افغانستان بانک را لغو، تجدید یا تعلیق نماید.

فقره (4) ماده ششم قانون بانکداری:

(4) هرگاه اعتراض مندرج فقره (3) این ماده از طرف د افغانستان بانک رد گردد، شخص مورد نظر می تواند در خلال مدت (10) روز کاری از تاریخ صدور اطلاعیه درخواست تجدید نظر را به کمیسیون ارائه نماید.

¹⁰- فقره (3) ماده هفتم قانون بانکداری:

(3) کمیسیون مکلف است به ادعای جبران خساره مدنی در موارد ذیل رسیدگی نماید:

1- هرگاه ادعای جبران خساره علیه افغانستان بانک و یا یکی از اشخاص مندرج فقره (1) این ماده اقامه شده باشد.

2- در صورتی که ادعای جبران خساره ناشی از اقدام یا عدم اقدام و یا تأخیر در اقدام د افغانستان بانک و یا یکی از اشخاص مندرج این قانون و یا قانون د افغانستان بانک در جریان اجرای وظیفه اقامه شده باشد.

¹¹- فقره (4) ماده چهل و چهارم قانون بانکداری:

(4) د افغانستان بانک مکلف است، حد اقل در خلال مدت (15) روز قبل از فسخ اجازه نامه نمایندگی طبق احکام مندرج فقره (4) ماده سی و سوم این قانون موضوع را طور کتبی به بانک خارجی اطلاع دهد. نمایندگی بانک خارجی می تواند در صورت عدم قناعت به تصمیم د افغانستان بانک، اعتراض خویش را به کمیسیون طبق احکام مندرج مقرره مربوط، ارائه نماید.

¹²- فقره (4) ماده هفتاد و چهارم قانون بانکداری افغانستان:

منازعات بین بانک داخلی و مشتریان داخلی و کلیه دعاوی مشتریان داخلی علیه بانک غیر مقیم در رابطه به فعالیت های دفاتر نمایندگی داخلی آنها، از طریق کمیسیون، حل و فصل می گردد و در صورت عدم قناعت یکی از طرفین، منازعات مذکور در محکمه افغانستان حل و فصل می گردد.

(8) هرگاه مدیر تصفیه یک بانک ورشکسته در رابطه به ابطال معاملات مندرج ماده یکصد و چهل و نهم قانون بانکداری دستورهای موقت مندرج در فقره (4) این ماده را صادر کند، شخص متضرر می تواند در خلال مدت (10) روز کاری بعد از حصول دستور، از کمیسیون تقاضای تجدید نظر را کند.

(9) منازعات ناشی از تصمیم مدیر تصفیه مبنی بر اعلام ابطال معاملات مندرج در ماده یکصد و چهل و نهم^{۱۳} و در مطابقت به حکم مندرج در فقره (1) این ماده توسط کمیسیون حل و فصل می گردد.

(10) هرگاه مدیر تصفیه بانک، نظر به وجود دلایل موجه، دستور تعلیق قسمی یا کلی بدهی های ذمت بانک از بابت سپرده های تضمین نا شده یا حسابات سرمایه گذاری، سپرده گذاران در بانک را صادر کند، طبق حکم فقره (5) ماده یکصد و پنجاه و پنجم قانون بانکداری، شخص متضرر می تواند در خلال مدت (10) روز درخواست تجدید نظر بر دستور متذکره را به کمیسیون ارائه کند.

(11) همچنان منازعات ناشی از صدور دستور تعلیق مندرج ماده یکصد و پنجاه و پنجم قانون بانکداری بین سپرده گذار و مدیر تصفیه توسط کمیسیون حل و فصل می گردد.

(12) به تاسی از حکم فقره (1) ماده یکصد و پنجاه و ششم قانون بانکداری، دائن مکلف است طلب خود را از بانک تحت تصفیه در خلال مدت (60) روز از تاریخ نشر تصمیم مبنی بر انتصاب مدیر تصفیه، نزد مدیر تصفیه ثبت نماید؛ و در صورتی که دائن اعتراض به تصمیم مدیر تصفیه داشته باشد، می تواند در خلال مدت (30) روز از تاریخ اتخاذ تصمیم متذکره اعتراض خویش را غرض تجدید نظر به کمیسیون ارائه کند.^{۱۴}

۱۳- فقره (6) و (7) ماده یکصد و چهل و نهم قانون بانکداری:

(6) شخص مندرج دستور موقت می تواند در خلال (10) روز بعد از حصول دستور، از کمیسیون تجدید نظر را تقاضا نماید. حکم مندرج ماده یکصد و پانزدهم این قانون بر این تجدید نظر، نیز قابل تطبیق می باشد.

(7) منازعات ناشی از تصمیم مدیر تصفیه مبنی بر اعلام ابطال معامله طبق حکم مندرج فقره (1) این ماده، توسط کمیسیون حل و فصل می گردد.

۱۴- ماده یکصد و پنجاه و ششم قانون بانکداری:

(1) داینین مکلف اند، طلبات خود را از بانک تحت تصفیه در خلال مدت (60) روز از تاریخ نشر تصمیم مبنی بر انتصاب مدیر تصفیه، نزد مدیر تصفیه ثبت نمایند.

د افغانستان بانک می تواند، مدت مذکور را صرف برای مدت (30) روز دیگر تمدید نماید. در صورت درخواست داین، برای وی رسید ثبت داده می شود.

احکام مندرج فقره های (1) و (2) ماده یکصد و پنجاه و هفتم این قانون از این حکم مستثنی می باشد.

(2) طلب طبق اسناد مثبتة آن و معلومات ذیل مورد ثبت قرار می گیرد:

1- اسم و آدرس داین.

2- تکانه و سایر مصارف، جریمه و طلبات تعلق گرفته به اصل مبلغ طلب.

3- معلومات تفصیلی در رابطه به رهن، حق حبس مال یا سایر ضمانات های مربوط به طلب مذکور با ذکر اسم و آدرس ضامن.

(13) منازعه بین مدیر تصفیه و دائن در مورد ارزش دارایی مندرج فقره (4) ماده یکصد و شصت و یکم قانون بانکداری توسط کمیسیون حل و فصل می گردد.^{۱۵}

(14) طبق حکم فقره (3) ماده دهم قانون تنظیم خدمات مخابراتی اشخاصی که به سبب تصامیم اداره (اترا) متضرر می شوند، می توانند در خلال مدت سی روز بعد از تصمیم اداره اترا غرض رسیدگی به کمیسیون مراجعه نمایند.^{۱۶}

(3) با انتصاب مدیر تصفیه بانک، طلب حسابات و سپرده های ثبت شده در دفاتر یا اسناد بانک ملتوی قرار می گیرد. سایر انواع طلبات بعد از ثبت آنها نزد مدیر تصفیه ملتوی می گردد.

فقره های (7) - (13) ماده یکصد و هفتم قانون بانکداری:

(7) کمیسیون مکلف است، تاریخ رسیدگی به اعتراض مندرج فقره (6) ماده را طوری تعیین نماید که داین معترض بتواند، جهت ثبت طلب خویش، به مدیر تصفیه و کمیسیون اسناد و مدارک ارائه نماید، مشروط بر این که رسیدگی های مذکور در مدت بیشتر از (60) روز بعد از تاریخ تسلیمی فهرست طلبات مورد اعتراض به کمیسیون، صورت گیرد.

(8) مدیر تصفیه مکلف است، صرف یک مرتبه از طریق پست به شمول پست الکترونیکی یا نشر اطلاعیه، داین را در مورد رسیدگی، مطلع سازد.

(9) هرگاه داین به منظور رسیدگی طلبات مربوط به کمیسیون که توسط پست به آنها خبر داده شده است، حضور نیابد، طلبات آنها رد شده پنداشته می شود.

(10) کمیسیون مکلف است، درخواست های تجدید نظر رد شده را به داین مربوط طور کتبی اطلاع و نقل آن را به مدیر تصفیه، ارائه نماید.

(11) تصمیم کمیسیون در رابطه به اعتراض مندرج فقره (6) این ماده نهایی شمرده شده و به مدیر تصفیه اطلاع داده و در فهرستی که توسط مدیر تصفیه نگهداری می شود، ثبت می گردد.

(12) در صورتی که درخواست تجدید نظر داین از طرف کمیسیون مورد تأیید قرار می گیرد، موضوع از طرف کمیسیون طور کتبی به داین مذکور اطلاع داده می شود و نقل آن به مدیر تصفیه ارائه می گردد.

(13) مدیر تصفیه نمی تواند، درخواست طلباتی را که توسط کمیسیون رد می شود، پرداخت نماید.

داینی که درخواست آنها بنا بر تصمیم کمیسیون رد می شود، می توانند در خلال مدت (15) روز از تاریخ دریافت اطلاعیه، استیناف خواهی نمایند.

۱۵- ماده یکصد و شصت و یکم قانون بانکداری:

(1) مدیر تصفیه مکلف است، دارایی هایی که طلبات منظور شده داین علیه بانک یا طلبات بانک علیه دیگران را تضمین می نماید، از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. موارد ذیل از این مستثنی می باشد:

1. فروش اسناد بهادار، اسعار و سایر دارایی هایی را که به آسانی در بازار قابل فروش می باشند در بازارهای خاص این اسناد.

2. فروش اسناد بهادار، اسعار و سایر دارایی های بانک که بدهی های آن را تضمین می نماید و به آسانی در بازار قابل فروش باشد، توسط داین که این دارایی ها را در اختیار دارند.

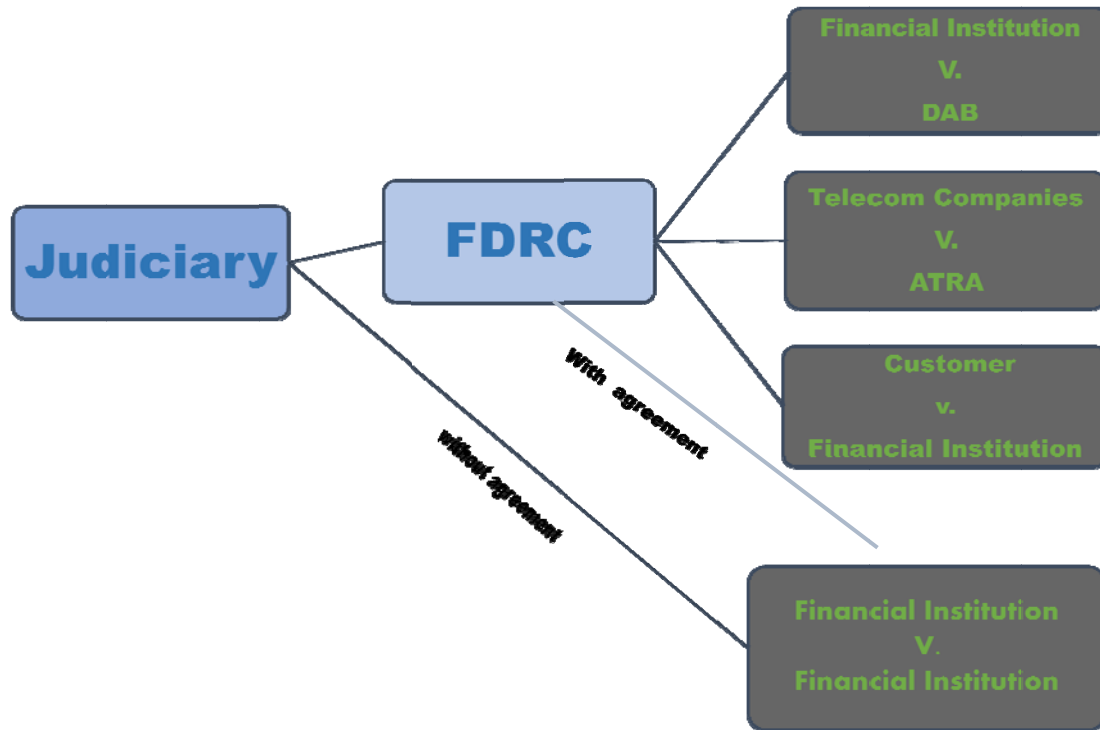
(2) هرگاه مدیر تصفیه تشخیص نماید که قیمت مناسب برای دارایی های مندرج فقره (1) این ماده در مزایده عمومی به دست نمی آید، می تواند دارایی ها را طور خصوصی به قیمت مناسبی که وی تعیین می نماید، به فروش برساند.

(3) کلیه دارایی های بانک تحت تصفیه به استثنای دارایی های مندرج جزء (2) فقره (1) این ماده، در صورت تقاضای مدیر تصفیه در اختیار وی گذاشته می شود.

(4) منازعه بین مدیر تصفیه و داین، در مورد ارزش دارایی که ذریعه آن یک طلب تضمین می شود، توسط کمیسیون حل منازعات مالی حل و فصل می گردد. هرگاه دارایی متذکره در بازار یا مزایده عمومی به فروش رسیده باشد، قیمت فروش که از بازار یا مزایده عمومی به دست می آید در مورد ارزش دارایی، نهایی شمرده می شود.

(15) مطابق حکم فقرة (5) ماده بیست و چهارم قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم در صورت عدم قبول دستور د افغانستان بانک مرجع راپور دهنده می تواند اعتراض خود را در خلال 30 روز غرض تجدید نظر به کمیسیون تسلیم نماید.¹⁷

(16) کمیسیون حل منازعات مالی می تواند طبق حکم جزء بیست و پنجم ماده سوم، قانون اسناد قابل معامله مأمور ذیصلاح را توظیف نماید.¹⁸



¹⁶ - فقرة سوم ماده دهم قانون تنظیم خدمات مخابراتی:

شخصی که بالأثر تصمیم اداره متضرر می گردد، حق دارد در مورد موضوعات مالی به استثنای جرمه نقدی مندرج این قانون در خلال (30) یوم بعد از ابلاغ تصمیم برد اداره به کمیسیون حل منازعات مالی مندرج قانون د افغانستان بانک مراجعه و تقاضای رسیدگی نماید.

¹⁷ - فقرة پنجم ماده بیست و چهارم قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم:

مرجع راپور دهنده می تواند در صورت عدم قناعت در مورد دستور صادره د افغانستان بانک یا مرجع ذیصلاح نظارتی صنف مربوط، اعتراض خود را در خلال (30) روز بعد از دریافت دستور، به کمیسیون حل منازعات مالی تسلیم نماید.

¹⁸ - جزء سی و پنجم ماده سوم قانون اسناد قابل معامله:

مأمور ذیصلاح: شخصی است که از جانب کمیسیون حل منازعات مالی د افغانستان بانک جهت تأیید امضاء، تصدیق سند و سایر وظایف مندرج این قانون، توظیف می گردد.

بخش دوم

نهادهای شبه قضایی در جهان و افغانستان

طوری که قبلاً تذکر یافت، کمیسیون حل منازعات مالی من حیث یک نهاد شبه قضایی پدیده جدید در افغانستان است، بناءً بهتر خواهد بود تعریفی از نهادهای شبه قضایی و از چگونگی ساختار آن ها در نظام های حقوقی جهان ارائه شود.

الف: نهاد شبه قضایی چیست؟

اصولاً مناسبات جدید در روابط حقوقی و اجتماعی موجب گسترش دخالت دولت ها، در فرایند رسیدگی های معمولی و سنتی قضایی شده است و علاوه بر بخش های قضایی، شکل دیگری از رسیدگی به امور اجتماعی در طول تاریخ روابط زندگی بشر موجود بوده و در ساختار قوه اجرائیه مراجعی وجود داشته که به منازعات رسیدگی کرده و رأی صادر می کنند. مصادیق چنین مراجعی متعدد است؛ برای نمونه می توان از مراجع حل منازعات مالیاتی، مراجع حل منازعات میان کارگر و کارفرما و ادارات نظارت کننده و نظارت شونده نام برد.

بناءً به زعم برخی از حقوقدانان نهاد شبه قضایی، مراجعی هستند که به موجب قوانین خاص و خارج از ساحت قوه قضائیه، عموماً به عنوان واحدهای مرتبط با ادارات دولتی و یا سازمان های تخصصی با صلاحیت استینافی تشکیل می شوند و صلاحیت آنها منحصرأ رسیدگی و تصمیم گیری در مورد منازعات و شکایات و دعاوی از قبیل استخدامی، مالی، مالیاتی، ارضی و نظارتی میان سازمان های عمومی، دولتی و تخصصی با اشخاص خصوصی است که معمولاً در اجرای قوانین خاصی که توسعه اجتماعی و اقتصادی و تأمین نیازمندی های افراد است، پیش می آید؛ و در نتیجه، حکم آنها جنبه قضایی ندارد و تصمیم اداری محسوب می شود، ولی در صورتی که علیه آن در موعد معین استیناف طلبی نشود، تصمیم یاد شده حیثیت قرار قضایی را به خود می گیرد.

باید گفت که هرچند مطابق ماده (120) قانون اساسی افغانستان صلاحیت رسیدگی به دعاوی به طور کلی در اختیار قوه قضائیه است،¹⁹ و همچنان چگونگی رسیدگی به دعاوی و تقسیم نوعیت دعاوی میان

¹⁹ - ماده صد و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان:

هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

محاكم بر عهده قوانین عادی واگذار شده است تا با توجه به موقعیت و مقتضیات کار به آن عمل کند. اما به این معنی نیست که مراجع دیگر در افغانستان به دعاوی رسیدگی کرده نمی توانند و یا هم اگر رسیدگی می کنند جنبه قانونی و حقوقی ندارد. بلکه اصل بر این است که محاکم به دعاوی رسیدگی می کنند، ولی قبل از آن مراجع دیگری نیز وجود دارند که نهادهای شبه قضایی موسوم هستند، و می توانند منازعات را به ویژه در عرصه های سکتوری و تخصصی قبل از رسیدگی قضایی، مورد رسیدگی قرار دهند.

برای وضاحت بیشتر بهتر خواهد که فرق اینگونه نهاد با مراجع قضایی مورد بحث قرار داده شود که عبارتند از:

1. بخشی از قوه قضاییه محسوب نمی شوند و تصدی این مراجع به وسیله قضات نیست؛
2. اغلب این مراجع در زیر مجموعه قوه اجرائیه کار می کنند نه در ساحة قوه قضائیه؛
3. نام آنها در اکثر موارد مشابه به قوه قضائیه نیست، بلکه با عنوان های کمیسیون، هیأت، ادارات حل منازعات، بورد، کمیته و... به وجود آمده اند؛
4. براساس قوانین ماهوی و شکلی ویژه، به حل منازعاتی که از اجرای قوانین خاص ناشی می شود، رسیدگی می کنند نه بر تمام منازعات؛
5. ماهیت موضوعات و مسائل مطرح در این مراجع، دارای ویژگی هایی منحصر به فردی است که بر اساس آن، به پاره یی از موارد می پردازند که جنبه محلی یا صنفی یا اختصاصی دارد که مستلزم توجه، سرعت در تصمیم گیری است و تصمیم آنها جنبه اداری دارد نه قضایی.

ب: تعریف نهادهای شبه قضایی:

نهادهای شبه قضایی در جهان پدیده ای نسبتاً جدید است که هنوز هم از مرحله پیشرفت و ارتقاء عبور می کند. در حقیقت این دیوان ها در کشورهای مختلف مطابق ساختار قانونی پیش بینی شده، به اقسام مختلف هم از لحاظ شکلیات و هم از لحاظ حدود صلاحیت ها، وجود دارد که به همین اساس به نام های بورد، کمیته، کمیسیون، دیوان و حتی در بعضی جاها به نام محاکم اداری یاد می گردند. لذا ممکن نیست که یک تعریف جامع برای اینگونه ادارات ارائه گردد. به همین اساس تعریفی که در ماده یکصد و ششم قانون د افغانستان بانک^{۲۰} از کمیسیون ارائه شده است از نظر ما تعریفی شامل و جامع

²⁰ - ماده یکصد و ششم قانون د افغانستان بانک: "به منظور حل منازعات مالی مندرج این قانون کمیسیون در د افغانستان بانک تأسیس می شود که

قضایای مالی مورد منازعه را قبل از رسیدگی قضایی، به صورت مصالحتی حل و فصل می نماید."

نیست. زیرا تعریف جامع، تعریفی است که باید تمام افراد ذیربط را شامل گردد و تمام افراد غیر شامل از آن بیرون شوند. با توجه به تعریف فوق معلوم می شود که قانون گذار صلاحیت های کمیسیون را به صورت بسیار مختصر بیان کرده است، نه این که کمیسیون را تعریف کرده باشد. همچنان در قوانین نافذ دیگر، چنین چیزی به نظر نرسید که ارگان های اداری را به وجه احسن تعریف کرده باشد. همچنان در اکثر نظام های حقوقی جهان نیز یک تعریف متفق علیه برای دیوان های اداری وجود ندارد و دلیل آن شاید این بوده باشد که این دیوان ها طبق ساختار قانونی پیش بینی شده، در اشکال و انواع مختلف آن (از لحاظ تشکیلاتی، جایگاه حقوقی و حدود صلاحیت ها) موجود اند. لذا برای این که این پدیده را به وجه احسن بیان کنیم و خصوصیات کمیسیون را هم در نظر بگیریم، دیوان های اداری چنین تعریف شده می تواند که از نظر ما یک تعریف شامل و جامع است:

نهاد شبه قضایی، نهادی است که بر اساس حکم قانون بیرون از چهارچوب تشکیلاتی قوه قضائیه تأسیس و منازعات فیما بین ارگان های نظارتی حکومتی و اشخاص (حقیقی یا حکمی) و سایر منازعاتی را که به تأسی از حکم قانون به این نهادها محول می گردد، قبل از رسیدگی قضایی حل و فصل نموده و در اجراءات خویش مستقل می باشند. ۲۱

از نظر ما این تعریف با توجه به این که اکثر خصوصیات یک نهاد شبه قضایی را در بر گرفته است، یک تعریف جامع و شامل است که عبارتند از:

1. شبه قضایی بودن؛ زیرا این دیوان ها اجراءات قضایی را که عبارت از حل و فصل منازعات است به پیش می برند.

2. یک طرف منازعه در اکثر موارد ادارات دولتی می باشند.

3. در چهارچوب نهادهای اجرایی تأسیس می شوند.

4. در اجراءات خود مستقل می باشند.

لذا هرگاه صلاحیت ها و کارکردهای کمیسیون را در لابلای این تعریف مورد مذاقه قرار دهیم، جایگاه آن را به صورت واضح و روشن در این تعریف در می یابیم.

²¹ - "Bodies outside the hierarchy of the courts with administrative and judicial functions": (Curzon, Dictionary of Law, 1994, p378).

"An administrative agency exercising a judicial function": (Black Law Dictionary, Page49, Eighth Edition).

اقسام نهادهای شبه قضایی

چنانکه قبلاً تذکر یافت، نهادهای شبه قضایی با توجه به نظام های حقوقی موجود در هر کشور مختلف است، ولی به صورت عموم می توان این نهادها را از دو لحاظ تقسیم بندی نمود؛ یکی از لحاظ جایگاه قانونی و دیگر از لحاظ تشکیلات و صلاحیت ها، که هر کدام آن به بررسی گرفته می شود.

الف: جایگاه حقوقی مراجع شبه قضایی در جهان

از لابلای مطالعات به ارتباط موجودیت نهادهای شبه قضایی در کشور های جهان، بر می آید که نهادهای شبه قضایی از لحاظ جایگاه حقوقی، به اشکال مختلف وجود دارد که در این نوشتار به منظور اختصار، دو گونه مروج آن زیر بحث گرفته می شود؛ یکی نهادهایی که استقلالیت کامل (اجرایی و تشکیلاتی) دارند، و دیگر نهادهایی که نیمه مستقل هستند (استقلالیت اجرایی دارند ولی استقلالیت تشکیلاتی ندارند)^{۲۲}.

برای وضاحت قسم اول (نهادهای شبه قضایی که از استقلالیت کامل برخوردارند) می توان از کشور هندوستان مثال آورد؛ بدین معنی که تأسیس این نهادها مبتنی بر احکام قانون اساسی آن کشور است که صلاحیت ها و وظایف آن در قانون اساسی مشخص بوده و حتی قضاء نمی تواند در قضایایی که بررسی آنها به این ادارات سپرده شده است، مداخله کند و فقط ستره محکمه به عنوان عالی ترین مرجع قضایی، می تواند فیصله های این نهادها را مورد تجدید نظر قرار بدهد. یا به عبارت دیگر قانون اساسی آن کشور برخی از صلاحیت های قضایی (مرحله ابتدایی و استینافی) را به این نهادها سپرده است که در صورت عدم قناعت طرفین به فیصله نهادهای شبه قضایی، فیصله آنها تنها در مرحله فرجام خواهی (تمیز) در ستره محکمه مورد بررسی قرار گرفته می تواند.^{۲۳} البته ستره محکمه هندوستان در قضیه L.Chandra Kumar v. Union of India فیصله نمود که تصمیم نهادهای شبه قضایی در محاکم علیای ایالتی، نیز استیناف خواهی شده می تواند.^{۲۴}

22- نهادهای شبه قضایی از لحاظ زمانی نیز به دایمی، مؤقت و موقتی تقسیم شده می تواند ولی از این که موضوع بحث ما نیست از تفصیل آن اجتناب می شود.
23- بند اول الی چهارم جزء دوم ماده 323 الف قانون اساسی هندوستان به طور مفصل از تأسیس و صلاحیت های ارگان های شبه قضایی بحث می کند و همچنان جزء ب ماده یاد شده از اختیارات قوه مقننه در ساختار نهادهای شبه قضایی بحث می کند که در جزء الف مطرح نشده است.
24- ستره محکمه هندوستان در قضیه L.Chandra Kumar v. Union of India عدم صلاحیت رسیدگی استینافی محاکم علیای ایالتی را بر فیصله های نهادهای شبه قضایی برخلاف مواد 227/226 و ماده 32 قانون اساسی دانست و در قضیه یاد شده نظر داد که فیصله نهادهای شبه قضایی در محاکم علیای ایالتی استیناف خواهی شده می تواند.

باید گفت که موجودیت نهادهای شبه قضایی در هندوستان منحصر به قسم فوق الذکر نیست. بلکه نهاد شبه قضایی دیگر نیز وجود دارند که فقط در اجراءات خود مستقل (نیمه مستقل) هستند، البته به منظور کم رنگ بودن نقش آنها در نظام قضایی هندوستان مورد بحث قرار نمی گیرند.

و اما قسم دوم نهادهای شبه قضایی که در بسیاری از کشور های دیگر نظیر ایالات متحده امریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا وجود دارد؛ به گونه ای است که این دیوان ها در چهارچوب ادارات نظارت کننده تأسیس یافته اند؛ یعنی استقلالیت اجرایی دارند و استقلالیت تشکیلاتی ندارند، چون نهاد قانونگذار در این کشورها، به موجب احکام قانون اساسی می تواند صلاحیت های تقنینی، اجرائی و شبه قضایی را به نهادهای اجرایی منتقل سازند و از آنجایی که قانون اساسی امریکا بر تفکیک قوای سه گانه (مقننه، قضائیه و اجرائیه) تأکید زیادی دارد، لذا برخی از دانشمندان و علمای حقوق اعطای صلاحیت های مرتبط به قوای سه گانه (وضع مقررات، تطبیق مقررات و حل و فصل منازعات ناشی از تطبیق این مقررات) را برای قوه اجرائیه بر خلاف فلسفه تفکیک قوا دانسته و بر آن معترض شدند²⁵ تا این که ستره محکمه امریکا به تاریخ 23 فبروی 1932 برای اولین بار در قضیه *Crowell v. Benson* عملکرد یاد شده را مشروع دانست، البته مشروط بر این که حق مراجعه به قضاء محفوظ باشد.²⁶

طبق مدل یاد شده، در بسیاری از نظام های حقوقی، نهادهای شبه قضایی (Administrative Tribunal) در چهارچوب ادارات نظارت کننده (Administrative Agencies) تأسیس می شوند و افراد و اشخاصی که بر عملکرد ادارات نظارت کننده اعتراض داشته باشند، می توانند به این نهاد ها مراجعه کنند. قابل ذکر است که این ادارات همزمان کارهای مربوط به قوه مقننه، اجرائیه و قضائیه را انجام می دهند؛ یعنی مقررات را بدون مراجعه به ارگان های ذیربط وضع می کنند و آن را تطبیق می کنند، و در صورت بروز نزاع میان آنها و مشتریان شان، خود به حل و فصل قضایا می پردازند.

ب: تقسیم نهادهای شبه قضایی از لحاظ تشکیل و صلاحیت ها

نهادهای شبه قضایی از رهگذر تشکیلات و صلاحیت ها به اصناف ذیل تقسیم شده می تواند:

²⁵ - باید گفت که با توجه به فلسفه تفکیک قوا؛ ایجاد نهادهای شبه قضایی منطبق با فلسفه یاد شده نیست. ولی به اساس مقتضیات زمان، در ایجاد این نهادها از فلسفه یاد شده انحراف نسبی صورت گرفته است و روی همین ملحوظ قوانین بسیاری از کشورها، ایجاد این نهادها را مشروط بر این دانسته است که حق استیناف طلبی بر فیصله آنها در محاکم محفوظ بوده باشد، تا صلاحیت های سه گانه این اداره از یکدیگر تفکیک شود.

²⁶ - The Supreme Court of the United State held in *Crowell v. Benson* (1932), however, that agencies could 285.U.S. 22 (1932) adjudicate cases as long as provision was made for ultimate judicial review.

1. Domestic Tribunals (داخلي): اینگونه نهادهای شبه قضایی شامل آن اصنافی می

گردند که در یک اداره به شکل بورد یا کمیته موجود می باشد و هرگاه در نتیجه تصمیم اداره متذکره، شخصی متضرر گردد، می تواند برای تجدید نظر به این ادارات مراجعه نماید. قابل تذکر است که با وجودی که این صنف در اکثر موارد مؤثر واقع گردیده ولی من حیث کُل تحت انتقاد علماء قرار گرفته است؛ زیرا که این نهادها از یکسو از لحاظ تشکیلاتی هیچگونه استقلالیتی ندارند و بخشی از آن اداره محسوب می شوند، و از جانب دیگر در اجراآت و عملکرد خود نیز استقلالیت ندارند؛ چون مرجع عالی اداره ای که بورد و یا کمیته در آن تأسیس شده، می تواند تصمیم آن بورد و یا کمیته را رد کند.

2. Civil Tribunals (مدنی): اینگونه نهادهای شبه قضایی از اصناف نادری است که منازعه

بین دو شخص را حل و فصل می نماید. هرچند این ادارات با وجود این که تسهیلات زیادی را برای مردم ایجاد کرده است، ولی آن عنصر اساسی را که حکومت باید یکی از طرفین نزاع باشد در آن وجود ندارد؛ بناءً مقتضی بحث بیشتر نمی باشد.

3. Administrative Tribunals (اداری): این نهادهاى شبه قضایی شامل آن اصنافی می

گردند که هرگاه در نتیجه تصمیم ادارات دولتی اشخاص (حقیقی باشند و یا حکمی) متضرر شوند می توانند به این نهادها مراجعه کنند. در حقیقت این نهادها ممثل حقیقی عدالت اداری اند. بدین معنی که این صنف موضوعاتی را حل و فصل می کند که شکل تخنیکی داشته و قضات به آن آشنایی تخصصی نداشته باشند. به همین ترتیب موضوعات مورد نزاع مقتضی حل و فصل سریع می باشند؛ و همچنان حل و فصل این قضایا ارزان بوده، و ایجاب مصارف بیش از حد مالی را نمی کند و مهمتر از همه یک طرف قضیه دولت می باشد. بناءً با توجه به این که کمیسیون حل منازعات مالی از جمله صنف یاده شده می باشد، بحث و تحقیق ما بیشتر بر آن متمرکز است.

نهادهای شبه قضایی در افغانستان

اگر به ساختار تشکیلاتی حکومت افغانستان نگاهی افکنده شود، در تأسیس نهادهای شبه قضایی از مدل **Administrative Tribunals (دیوان های اداری)** کار گرفته شده است و مطابق آن بعضی نهادها در ساختار ادارات نظارت کننده، تأسیس شده اند که منازعات بین اداره و اشخاص را حل و فصل می کنند و تصمیم شان، در صورت عدم اعتراض طرفین همانند قرار قضایی قابل تطبیق می باشد که در این جا به اضافه کمیسیون از دو نهاد مثال می آوریم:

الف: کمیسیون سمع شکایات در کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی:

طبق حکم ماده بیست و چهارم مقررۀ تنظیم حقوق تقاعد کارکنان خدمات ملکی، به منظور رسیدگی به شکایت کارکنان خدمات ملکی متقاعد یا بازماندگان و یا وکیل قانونی و یا وصی آنها مبنی بر طرز محاسبه و پرداخت حقوق تقاعد کمیسیون متشکل از (3) نفر از کارکنان مسلکی وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا، و معلولین و دو نفر از کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی ایجاد می گردد که هرگاه اشخاص متضرر که فوقاً از آن ها نام برده شد به طرز محاسبه و پرداخت حقوق تقاعد قناعت نداشته باشند می توانند به این کمیسیون مراجعه نمایند و در صورت عدم قناعت شان به تصمیم کمیسیون متذکره، شاکی می تواند به محکمه مراجعه نماید.²⁷

ب: بورد تصمیم گیری اداره تنظیم خدمات مخابراتی (اترا):

طبق احکام مندرج در قانون تنظیم خدمات مخابراتی بورد متذکره می تواند منازعات بین مشترکین و شرکت های مخابراتی را حل و فصل نماید، و همچنان بالاً اثر شکایات مشترکین و یا بالاً اثر بررسی های تخنیکی این بورد کمپنی های مخابراتی تحت تنظیم و نظارت خود را می تواند جریمه نماید و یا طبق حکم قانون مجازات کند که البته طبق حکم ماده دهم قانون تنظیم خدمات مخابراتی، متضرر می تواند در صورت عدم قناعت به تصمیم اداره اترا، ابتداءً به کمیسیون حل منازعات مالی مراجعه و بعد در صورت عدم قناعت هر یکی از طرفین قضیه به فیصله کمیسیون، می تواند به مراجع قضایی مراجعه نماید.²⁸

²⁷ - ماده بیست و چهارم مقررۀ تنظیم حقوق تقاعد:

- (1) به منظور رسیدگی به شکایات کارکنان خدمات ملکی متقاعد یا بازماندگان یا وکیل قانونی یا وصی آنها مبنی بر طرز محاسبه و پرداخت حقوق تقاعد، کمیسیون متشکل از (3) نفر از کارکنان مسلکی وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین و دو نفر از کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی ایجاد می گردد.
- (2) کارکنان خدمات ملکی متقاعد یا بازماندگان یا وکیل قانونی یا وصی آنها می توانند، در صورت عدم قناعت از طرز محاسبه و پرداخت حقوق تقاعد به کمیسیون مندرج فقره (1) این ماده شکایت نمایند. در صورت عدم قناعت به تصمیم کمیسیون، شاکی می تواند به محکمه مراجعه نماید.

²⁸ - ماده دهم قانون تنظیم خدمات مخابراتی:

- (1) اداره می تواند منازعات فیما بین عرضه کنندگان، استفاده کنندگان و سایر مراجع ذیعلاقه را حل و فصل نماید.
- (2) تصامیمی که از طرف اداره مطابق احکام این قانون اتخاذ می گردد، قابل تطبیق می باشد.
- (3) شخصی که بالاً اثر تصمیم اداره متضرر می گردد، حق دارد در مورد موضوعات مالی در خلال (30) یوم بعد از ابلاغ تصمیم اداره به کمیسیون حل منازعات مالی مندرج قانون دافغانستان بانک مراجعه و تقاضای رسیدگی را نماید.
- (4) درخواست غرض رسیدگی از طرف کمیسیون حل منازعات مالی د افغانستان بانک در خلال مدت (30) روز بعد از اتخاذ تصمیم به اداره ارسال می گردد.

بنابر آنچه گفته آمد، ادارات یاد شده و کمیسیون حل منازعات مالی به اثر تجارب موجود در بسیاری از نظام های حقوقی و سیاسی جهان تأسیس شده اند که منازعات را قبل از رسیدگی قضایی به گونه آسان و ارزان حل و فصل می کنند و با در نظر داشت صلاحیت هایی که در قوانین نافذ تصریح گردیده است، در اجراات خود مستقل می باشند.

تأثیرات و یا فواید موجودیت نهادهای شبه قضایی

یکتن از قاضی القضاات اسبق کانادا به نام لمر، در باب اهمیت نهادهای شبه قضایی، باری گفته بود که تأثیرات نهادهای شبه قضایی بر حیات عامه مردم کانادا از تأثیراتی که قضاء دارد، به مراتب بالاتر است. از مطالعه نظام های موجوده دولتی این مطلب واضح می گردد که آقای لمر آگاهانه و صادقانه در این مورد پیشگویی و ابراز نظر فرموده است. زیرا مطالعات و تبعات در این راستا نشان می دهد که نظام های قضایی معاصر بدون کمک و همکاری دیوان های اداری نمی توانند آن گام های شایسته و بایسته ای را که در خور یک نظام قضایی قوی است علی وفق المراد بردارند. بدین معنی که نه محاکم وقت کافی دارند که این همه مسائل پیچیده و گسترده سکتوری و تخصصی را به دقت تحت بررسی قرار بدهند و نه هم استعداد کافی تخنیکی در آن وجود دارد.²⁹ از این جاست که کشورهای چون آمریکا و کانادا و امثال آن با وصف این که نظام قضایی قوی هم دارند باز هم برای حل منازعات سکتوری و تخنیکی خود تا حد زیادی بر دیوان های اداری اتکاء کرده اند. برای روشن شدن بیشتر موضوع، بهتر خواهد بود که به بعضی تأثیرات مثبت موجودیت نهادهای شبه قضایی به صورت مختصر ذیلاً اشاره کنیم:

- 1. ارزان بودن؛** یعنی در اکثر اوقات این نهادها بدون محصول و یا فیس دولتی خدمات عرضه می کنند.
- 2. سریع الإجراء بودن؛** با توجه با این که این نهادها مکلف به پیروی از تشریفات اداری لازم الإجراء در محاکم عام نیستند، قضایای وارده به گونه سریع و در کمترین وقت حل و فصل می شود.
- 3. دسترسی آسان و سهل؛** عدم موجودیت تشریفات اداری دسترسی عامه مردم به نهادهای شبه قضایی را آسان و سهل نموده است.

(5) کمیسیون حل منازعات مالی د افغانستان بانک می تواند نظر خویش را پیرامون تصمیم اداره در ظرف حداکثر (90) روز بعد از ارجاع موضوع به آن کمیسیون ابراز نماید.

²⁹ - Antonio Lamer, "Administrative Tribunals: Future Prospects and Possibilities" (1991) 5 *Can. J. of Admin. L. & Prac.* 107.

4. رهایی از موانع تخنیکی؛ بدین معنی که طرفین منازعه مکلف نیستند که وکیل بگیرند، بلکه می توانند در برابر نهادهای شبه قضایی شخصاً حاضر شوند و مشکلات خود را حل کنند و همچنین طرز العمل و اجراءات این نهادها ساده و آسان بوده که برای فهم و درک آن به دانش مسلکی نیازی نیست.

5. محرمیت؛ از این که در اکثر موارد دعوا شخصی و انفرادی می باشد، لذا نیازی به رسیدگی به منازعات آنها در حضور رسانه ها دیده نمی شود.

6. تخصصی بودن؛ از این که نهادهای شبه قضایی برای ساحات و یا سکتورهای خاص تأسیس می گردند. بناءً مسئولین آن تا حد زیادی در آن ساحات معلومات می داشته باشند و ضرورتی دیده نمی شود که در هنگام بررسی قضایا و منازعات، دست به دامان متخصصین شوند که از این رهگذر هم از لحاظ مالی و هم از رهگذر زمانی صرفه جویی صورت می گیرد.

7. اجراءات ساده و آسان؛ یعنی برخلاف قضاء اجراءات و عملکرد نهادهای شبه قضایی بسیار ساده و آسان می باشد و طرفین می توانند در صورت نیاز، هر وقت از این ادارات کمک بخواهند. همچنان نهادهای شبه قضایی تسهیلات زیادی را در راستای حل منازعات ایجاد می کنند چون تابع رویه قضایی نمی باشند.

8. همکاری با ادارات نظارت کننده؛ نهادهای شبه قضایی با پذیرفتن و سهیم شدن در حل و فصل بعضی منازعات، به ادارات نظارت کننده کمک کرده و ممد واقع می شوند. زیرا در بعضی مسایل برای این که تضاد منافع مطرح نگردد مسؤول اداری تصمیم اتخاذ کرده نمی تواند لذا تا حد زیادی اینگونه مسایل از طریق این دیوان ها حل می گردند.

9. جلوگیری از تراکم قضایا در محاکم؛ با توجه به مراجعه طرفین دعوا به نهادهای شبه قضایی و حل و فصل سریع این قضایا در این نهادها، حجم قضایا در محاکم کاهش و از تراکم آن ها جلوگیری می کند.

10. سرعت عمل در رسیدگی قضایی؛ در صورت عدم قناعت هر یکی از طرفین دعوای به تصمیم نهادهای شبه قضایی و مراجعه به محاکم، یقیناً یک دوسیه کاملاً آماده به محاکم فرستاده می شود و به اینگونه طی مراحل محاکماتی قضایا و منازعات وارده در محاکم آسان می شود.

11. جلب اعتماد مردم؛ با توجه به حل مشکلات مردم به گونه فوری، آسان و کم هزینه اعتماد آنها بالای دولت بیشتر می شود.

با توجه به آنچه گفته آمد، می توان گفت که مصداق خوب تأثیرات و فواید موجودیت نهادهای شبه قضایی را در کشور انگلستان پیدا کرد. زیرا انگلستان با وجودی که مرجع اساسی ایجاد کامن لا و ترویج آن در دنیاست، برای حل منازعات سکتوری و اختصاصی خود تا حد زیادی به نهادهای شبه قضایی متکی می باشد. تحقیقات نشان می دهد که تحولات به وجود آمده در این کشور د اوایل قرن نوزدهم موجب شده که کمیسیون ها و محاکم اداری اختصاصی (نهادهای شبه قضایی) نیز گسترش یابد. این تحولات ناشی از عوامل مختلفی است که در عرصه سیاست، اقتصاد و امور اجتماعی رخ داده و موجب شده است که منازعات و شکایات اداری افزایش یابد و چون محاکم نمی توانست پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، لذا دولت مجبور شد رسیدگی به دعاوی و شکایاتی را که در نتیجه اجرای قوانین جدید اقتصادی و اجتماعی به وجود می آید به عهده تعدادی کمیسیون ها و دادگاه های اختصاصی با صلاحیت شبه قضایی بگذارد، و پس از تحولات فوق تحقیقات نشان می دهد که تا سال 2000 میلادی تقریباً 130 دیوان اداری در ساحات مختلف خدمات عرضه می کرده اند. به این معنی که در هر ساعه زندگی که حکومت دخیل بوده و در نتیجه تصمیم حکومت حقوق مردم به نحوی متأثر می گردید یک دیوان اداری موجود بود تا دعوای آنها را بررسی کند.³⁰

البته در سال 2000 میلادی به اساس سفارشات یک بررس تحقیقاتی و در نتیجه تصویب قانون Legal Review Tribunal, courts & Enforcement Act 2007 (TCEA 2007) تحت نام of Tribunal یک تشکیل اداری دیگر به وجود آمد و در روشنی آن تمام دیوان های اداری تحت یک چتر واحد به نام سیستم دیوان های متحده اداری جمع و به شکل مرجع بررسی دوگانه ای تنظیم شدند. به این معنی که دیوان اولی به شکل محاکم ابتدائیه عمل می کند و دیوان دومی با صلاحیت های استینافی وارد عمل می شود و اگر طرفین منازعه به تصمیم دیوان استینافی قناعت نکنند می توانند به محاکم مراجعه کنند. البته تحقیقات نشان می دهد که این سیستم به صورت مجموعی در یک سال تقریباً یک میلیون قضایا را بررسی می کند.³¹

فشرده کلام این که: کمیسیون حل منازعات مالی من حیث یک نهاد شبه قضایی در افغانستان، به منظور تأمین عدالت در پرتو تجارب قبول شده نظام های حقوقی جهان تأسیس گردیده است. این کمیسیون در چوکات اداره نظارتی دولت (د افغانستان بانک) تشکیل یافته است که مسؤلیت تأمین

³⁰ - All Answers Ltd, 'Administrative Tribunal Lecture Notes' (Law Teacher.net, May 2018).

³¹ - (Partington, 'The Future of Tribunal', Legal Action, May 1993, P9.

عدالت و انصاف را در عرصه های تخنیکي مطابق به احکام قانون به صورت فوري، آسان و ارزان برای مردم به عهده دارد.

بعد از انفاذ قانون اساسي جديد توقع چنين بود که در ساير ادارات تحت نظارت دولت نهادهایی مانند کمیسیون حل منازعات مالي تأسيس گردند تا منازعات را به خصوص از ناحیه نظارتي، به صورت فوري حل و فصل نمایند و نیز در روال امور سکتنگي رونما نگردد، اما به استثنای چند ارگان محدود اين توقع جامه عمل نپوشيد.

ما بر اين باور هستيم که برای يك نظام مؤثر و شامل اقتصادي و پیشرفت آن، موجوديت ارگان های شبه قضايي در تمام آن سکتورهایی که حکومت از آن نظارت می کند، ضروري است. لازم نیست که اين نهادها چگونه و با کدام کيفيت بوده باشند، بلکه دولت می تواند هر آن ساختار حقوقي را که مناسب بداند، برای تأسيس نهادهای شبه قضايي مانند کمیسیون حل منازعات مالي به کار گیرد، تا مردم از مزایای اين نهادها مستفيد و همچنان اهداف فلسفه عدالت اداری در جامعه متحقق شود.

چنانکه پس از گذشت حدود ده سالی که از تأسيس و فعاليت کمیسیون حل منازعات مالي در چهارچوب د افغانستان بانک می گذرد، حالا به يقين گفته می توانيم که اين اداره به عنوان يك نهاد شبه قضايي توانسته است با وجود همه موانع و مشکلات ملموس و غير ملموس اهداف و نتایجی را که فلسفه ایجاد نهادهای شبه قضايي در نظام های حقوقي جهان ايجاب می کند، برآورده سازد و از خداوند متعال مسئلت داريم که برای دست اندرکاران آن توفيق بیشتر نصيب کند تا در آینده گام هایی مفيد و مؤثرتری را در راستای تحقق اهداف فلسفه عدالت اداری، بردارند.

فعالیت های کمیسیون حل منازعات مالی

1- فعالیت هایی که کمیسیون از بدو تأسیس تا کنون انجام داده است³²

کمیسیون حل منازعات مالی از بدو تأسیس تا امروز، لله الحمد به حیث یک ارگان شبه قضایی وظایف خویش را در روشنی احکام و هدایات قوانین و مقررات کشور به صورت شفاف، روشن، هدفمند و فراگیر به انجام رسانیده و سعی ورزیده است تا در پروسه حل و فصل منازعات بلندترین معیارهای عدالت و شفافیت رعایت شود.

برای این که هموطنان از عملکرد و اجراات کمیسیون معلومات حاصل کنند و آگاهی عامه تحقق یابد، اینک معلومات مختصری از اجراات ده ساله خویش را در قالب نوشتار خدمت هموطنان و علاقمندان ارائه می داریم.

باید گفت که اجراات کمیسیون، در کل به دو بخش تقسیم شده است؛ یکی وظایفی است که کمیسیون قانوناً در انجام آن مکلف ساخته شده که عبارت از حل و فصل منازعات در ساحات خاص و همچنان نظارت از پروسه تصفیه بانک های در حال تصفیه است³³، و دوم اجرااتی است بر اساس ضرورت بنا بر درخواست مراجع ذیصلاح به شکل مقطعی کمیسیون به اجرای آن مکلف ساخته شده است ولی به منظور اختصار، در این نوشتار تنها اجرااتی را که کمیسیون قانوناً مکلف به انجام آن بوده است، مختصراً مورد بحث قرار می دهیم.

از بدو تأسیس کمیسیون حل منازعات مالی تا امروز تقریباً حدود (506) شخص برای حل و فصل منازعات خویش به این اداره مراجعه نموده است که از آن جمله تقریباً (233) درخواستی به سبب این که تحت قید مرور

³²- خلاصه اجراات کمیسیون حل منازعات مالی در جدول زیر نیز انعکاس یافته است:

506 درخواست	تعداد مراجعه کنندگان
233 درخواست	قضایای رد شده به دلایل مختلف قانونی
143/ تصویب	قضایایی که در مورد آن تصمیم اتخاذ شده است
7 مورد	قضایایی که در مورد آن کمیسیون نظر داده است
27 مورد	قضایایی که قبل از بررسی کمیسیون، طرفین به آن مصالحت کرده اند.
96 مورد	نظارت از تطبیق تصاویر صادره کمیسیون در ارتباط به قضایای مختلف کابل بانک و بانک انکشافی افغانستان در حال تصفیه

³³- کمیسیون حل منازعات مالی مطابق فقرة سوم ماده هفتاد و چهارم قانون بانکداری سابق جریده رسمی شماره مسلسل (1197) مؤرخ 20 عقرب 1394 در پهلوی صدور فیصله ورشکستگی بانک انکشافی افغانستان و کابل بانک، از پروسه تصفیه بانک های مذکور نیز نظارت نموده، و تا توشیح قانون بانکداری جدید افغانستان طی فرمان تقنینی شماره (56) مؤرخ 1394/5/26 ریاست جمهوری اسلامی افغانستان که مبتنی بر آن پروسه نظارت از تصفیه بانک ها به اداره محترم د افغانستان بانک سپرده شد، کمیسیون از تطبیق بیش از (110) تصویب خویش نظارت کرده و در مراحل مختلف به مدیریت تصفیه بانک ها هدایات لازم صادر کرده است.

زمان قرار گرفته، و یا این که بررسی آنها در حدود صلاحیت های قانونی کمیسیون نبود، و یا هم ناآگاهانه اول به محکمه مراجعه صورت گرفته و سپس به کمیسیون مراجعه صورت گرفته، رد شده است.

به همین ترتیب در مورد (7) قضیه که از طرف محاکم و یا سایر ارگان ها به منظور نظرخواهی به کمیسیون ارسال گردیده بود، کمیسیون نظر خود را صادر کرده است.

کمیسیون حل منازعات مالی (143) قضیه دیگر را بنا بر مکلفیت قانونی اش با دقت تمام به بررسی گرفته، و پس از تدویر جلسات متعدد و ارزیابی های همه جانبه، در مورد آن در روشنی اسناد و مدارک قانونی تصامیم و تصاویر خود را صادر نموده که قرار ذیل است:³⁴

شهرت مدعیان		موضوع	شماره تصاویر و تاریخ صدور آن ها	شماره مسلسل
مدعی علیه	مدعی			
بانک انکشافی افغانستان	د افغانستان بانک	فروش بخشی از سهام بانک انکشافی افغانستان	1-ب-1 87-1-3	1
اداره اترا	شرکت مخابراتی MTN	جریمه نقدی مبلغ 14300 دالر امریکایی	1-م-2 88-1-11	2
اداره اترا	شرکت مخابراتی روشن	جریمه نقدی مبلغ پنجاه هزار دالر امریکایی	2-م-3 88-2-2	3
اداره اترا	شرکت مخابراتی افغان بیسیم	جریمه مبلغ پنجاه هزار دالر امریکایی	3-م-4 88-2-3	4
اداره اترا	شرکت مخابراتی روشن	جریمه مبلغ پنجاه میلیون افغانی	4-م-5 88-7-30	5
اداره اترا	شرکت تخار آریا لمتد	جریمه نقدی مبلغ دوصد هزار افغانی	5-م-6 88-8-13	6
بانک انکشافی افغانستان	د افغانستان بانک	بررسی ورشکستگی بانک انکشافی افغانستان	2-ب-7 88-10-3	7
بانک انکشافی افغانستان	مدیریت تصفیه	تعیین مدیر تصفیه برای بانک انکشافی افغانستان	3-ب-8 88-10-3	8
اداره اترا	شرکت مخابراتی افغان بیسیم	جریمه نقدی یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار افغانی	6-م-9 88-12-20	9
اداره اترا	شرکت مخابراتی MTN	جریمه نقدی مبلغ دو میلیون و پنجاه هزار افغانی	7-م-1 88-12-20	10
اداره اترا	شرکت مخابراتی MTN	جریمه نقدی مبلغ پنج میلیون افغانی از بابت ربع سوم و چهارم 2009	8-م-11 88-12-20	11
اداره اترا	شرکت مخابراتی افغان بیسیم	جریمه نقدی مبلغ یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار افغانی	9-م-12 89-1-15	12
کابل بانک	د افغانستان بانک	فروش بدهی ها و دارایی های کابل بانک	4-ب-13 89-10-22	13

³⁴- باید گفت که قضایای وارده به کمیسیون حل منازعات مالی از این که بیشتر جنبه تخنیکی و مسلکی دارد، لذا بررسی آنها مقتضی وقت بیشتر می

باشد.

کابل بانک	د افغانستان بانک	آغاز اقدامات ورشکستگی علیه کابل بانک	14-5 90-1-21	14
کابل بانک	د افغانستان بانک	تعیین مدیر تصفیه برای کابل بانک	15-6 90-1-30	15
کابل بانک	د افغانستان بانک	انتقال امانات سپرده گذاران، بدهی ها و دارایی های مشخص شده کابل بانک در حال تصفیه، به کابل بانک جدید	16-7 90-1-31	16
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	شرایط در قسمت فروش املاک و دارایی های مشخص کابل بانک	17-8 90-2-27	17
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	شروط برای تفاهم با مدیونین بانک	18-9 90-2-27	18
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	به ارتباط مصالحه فیما بین خلیل الله فیروزی و خلیل زدران بر سر فروش یک دربند حویلی	19-10 90-3-3	19
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	تمدید میعاد ثبت مطالبات کابل بانک	20-11 90-4-1	20
مدیریت تصفیه کابل بانک	شرکت گاز گروپ	تصفیه قروض شرکت گاز گروپ	21-12 90-4-5	21
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	بودجه پیشنهادی مدیریت تصفیه	22-13 90-4-13	22
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	توقف اجراءات قضایی در ارتباط به قضایای تحت دوران محاکماتی	23-14 90-5-4	23
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	مصارف انتقال طیارات شرکت هوایی پامیر به داخل کشور	24-15 90-5-9	24
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	استعفای نثار احمد یوسفزی	25-16 90-5-16	25
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	انتصاب عبدالهادی خلیلی به حیث مدیر تصفیه	26-17 90-5-18	26
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	قرارداد انتقال طیارات هوایی پامیر	27-18 90-5-25	27
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	در مورد معاشات کارمندان شرکت هوایی پامیر غرض انتقال طیارات آن شرکت	28-19 90-5-26	28
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	پرداختن بیست و دو میلیون دالر امریکایی جمع آوری شده به د افغانستان بانک	29-20 90-5-26	29
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	مطالبه مشتریان شهرک دوستی از تصفیه کابل بانک	30-21 90-6-13	30
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	در مورد پرداختن ششصد هزار دالر امریکایی به ورثه شهیدای حادثه پامیر	31-22 90-6-24	31
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	تادیه مبلغ سه میلیون دالر امریکایی به شرکت هوایی پامیر از امکانات مدیریت تصفیه کابل بانک	32-23 90-7-30	32
کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	متوقف ساختن استفاده شرکت آریانا از طیارات شرکت هوایی پامیر	33-24 90-8-30	33
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	طرح پیشنهادی مدیریت تصفیه کابل بانک غرض حصول قرضه های کوچک	34-25 90-9-9	34
مدیریت تصفیه کابل بانک	مدیریت تصفیه کابل بانک	فروش یک فروند هیلیکوپتر از دارایی های کابل بانک	35-26	35

	کابلبانک		90-9-14	
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری مصارف انتقال جایداد های کابلبانک در دویی	27ب-36 90-10-14	36
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تصویب تشکیل و بودجه تصفیه کابلبانک	28ب-37 90-1-21	37
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	به ارتباط استخدام مشاور حقوقی	29ب-38 90-11-22	38
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری مصارف فیس انتقال مالکیت 6 جایداد کابلبانک در دویی	30ب-39 90-11-30	39
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	به ارتباط اجاره تأسیسات نفتی شهرک حیرتان	31ب-40 91-1-7	40
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	انتصاب عبدالحمید محبی بحیث مدیر تصفیه کابلبانک	32ب-41 91-1-17	41
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	رهنمود های لازم برای هیئت مؤظف در پروسه فروش جایداد های کابلبانک	33ب-42 91-1-13	42
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مطالبات ذمت کابلبانک	34ب-43 91-2-24	43
مدیریت تصفیه کابلبانک	محمود کرزی	مقروضیت محمود کرزی	35ب-44 91-3-13	44
مدیریت تصفیه کابلبانک	گلپهار حبیبی	مقروضیت گلپهار حبیبی	36ب-45 91-3-14	45
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مقروضیت عبدالغفار داوی	37ب-46 91-4-3	46
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	حق استفاده 3 تن از مقروضین کابلبانک از مفاد حکم شماره 281 ریاست جمهوری	38ب-47 91-4-4	47
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	در مورد معاشات 12 تن کارمندان شرکت هوایی پامیر	39ب-48 91-4-13	48
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تصویب تشکیل و بودجه مدیریت تصفیه کابلبانک از اول اسد 1391 الی جدی 1391	40ب-49 91-4-24	49
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	فروش جایداد O-84 در دویی	41ب-50 91-4-26	50
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تادیه قروض ذمت شرکت گاز گروپ	42ب-51 91-5-14	51
محمد افضل هده وال	مدیریت تصفیه کابلبانک	درخواستی محمد افضل هده وال در ارتباط رد مقروضیت اش از کابلبانک	43ب-52 91-5-17	52
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منازعه بر سر نمایندگی های مسدود شده کابلبانک	44ب-53 91-6-20	53
مدیریت تصفیه کابلبانک	صوفی نثار احمد	مقروضیت صوفی نثار احمد مقروض و سهامدار کابلبانک	45ب-54 91-6-27	54
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری ارزش گذاری دارایی کابلبانک	46ب-55 91-7-1	55
د افغانستان بانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مطالبه و چگونگی مجرائی قرضه به ریاست د افغانستان بانک	47ب-56 91-7-3	56
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	فروش یک فروند هیلیکوپتر کابلبانک	48ب-57	57

	کابلبانک		91-7-8	
کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	ازدیاد معاشات 3 نفر از منسوبان شرکت هوایی پامیر	49ب-58 91-7-22	58
مدیریت تصفیه کابلبانک	محمد طاهر طاهر	مقروضیت محمدطاهر طاهر مقروض و سهامدار کابلبانک	50ب-59 91-9-14	59
مدیریت تصفیه کابلبانک	غلام حسن نوید	مقروضیت غلام حسن نوید رئیس شرکت حسن نوید لمتد	51ب-60 91-9-14	60
مدیریت تصفیه کابلبانک	شرکت ساختمانی و سرکسازی حافظ	معافیت تکتانه شرکت ساختمانی و سرکسازی حافظ	52ب-61 91-9-15	61
مدیریت تصفیه کابلبانک	گلپهار حبیبی	مقروضیت گلپهار حبیبی	53ب-62 91-9-28	62
مدیریت تصفیه کابلبانک	میرویس عزیززی	معافیت تکتانه مقروضیت میرویس عزیززی	54ب-63 91-10-18	63
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تصویب تشکیل و بودجه مدیریت تصفیه کابلبانک	55ب-64 91-10-24	64
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مقروضیت غلام داوود نصیب	56ب-65 91-10-24	65
مدیریت تصفیه کابلبانک	خلیل الله فیروزی	مقروضیت خلیل الله فیروزی مقروض و سهامدار کابلبانک	57ب-66 91-11-9	66
دافغانستان بانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تعدیل در بودجه پیشنهادی مدیریت تصفیه کابلبانک	58ب-67 91-11-24	67
مدیریت تصفیه کابلبانک	کرایه نشین	موافقه برای کرایه نشین ویلای L-152 دوبی	59ب-68 91-12-14	68
بانک انکشافی افغانستان	شرکت مخابراتی شاهین تیلیکام	فروش 7 پایه تاور ملکیت شرکت مخابراتی شاهین تیلی کام	60ب-69 92-2-18	69
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	سهم سرمایه و تزریق سرمایه سهامی سهامداران کابلبانک	61ب-70 92-3-11	70
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	تشکیل بودجه مدیریت تصفیه کابلبانک	62ب-71 92-5-14	71
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	پرداخت مصارف انتقال یک فروند طیاره شرکت هوایی پامیر از بریتانیا	63ب-72 92-5-15	72
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مطالبه 8 تن از مشتریان اپارتمان های گلپهار تاورز	64ب-73 92-5-20	73
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری 3 میلیون دالر امریکایی جهت پرداختن مطالبات	65ب-74 92-6-6	74
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری افزودی معاشات کارمندان مدیریت تصفیه کابلبانک	66ب-75 92-6-17	75
بانک ملی افغان	محترمه مروه	نظر کمیسیون حل منازعات مالی درباره اختلاس مبلغ هشتاد و پنج هزار دالر امریکایی از بانک ملی	67ب-76 92-6-27	76
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	مقروضیت محترم عبدالغفار داوی	68ب-77 92-7-7	77
مدیریت تصفیه کابلبانک	مدیریت تصفیه کابلبانک	منظوری اجرای عیدی برای کارمندان مدیریت تصفیه کابلبانک	69ب-78	78

	کابلانک		92-7-20	
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	تقرر یک نفر مشاور حسابی و بانکی در مدیریت تصفیه کابلانک	70ب-79 92-9-17	79
مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	تغیر قسط تحویلی مقروضیت غلام غوث رئیس شرکت افغان زم زم	71ب-80 92-10-30	80
مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	تمدید قرارداد عبدالعزیز مهجور بحیث مدیر تصفیه بانک انکشافی افغانستان	72ب-81 92-10-30	81
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	ارائه ضمانت خط بانکی توسط دافغانستان بانک جهت رفع تأمین تاور های دولفین و و یفز در دویی	73ب-82 92-11-7	82
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	منظوری پرداخت مطالبات مشتریان شهرک دوستی و گلپهار حبیبی تاورز (فهرست دوم)	74ب-83 92-11-8	83
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	مقروضیت شرکت کابل نفت از کابلانک قدیم	75ب-84 92-11-19	84
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	موافقه به امضای مقاله خط مجیب الرحمن نام غرض حصول مبلغ دوصد و هفتاد هزار دالر امریکایی	76ب-85 92-12-11	85
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	تشکیل و بودجه مدیریت تصفیه کابلانک از اول حمل الی 29 سنبله 1393	77ب-86 93-1-19	86
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	فروش امتیاز سرقلفی 99 باب دوکان گلپهار سنتر	78ب-87 93-1-20	87
4تن مشتری	کابلانک	مطالبه 1 تن از مشتریان گلپهار تاورز و 3 تن از مشتریان شهرک دوستی	79ب-88 93-2-21	88
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	جستجوی راه حل برای فروش 50 عراده موتر ماز روسی کابلانک	80ب-89 93-4-10	89
محمد باهر	بانک انکشافی افغانستان	مطالبه محمد باهر کارگر، علیه بانک انکشافی افغانستان	81ب-90 93-4-14	90
نوی کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	منزاعه بر سر دارایی های ارزشگذاری شده کابلانک، توسط کرول	82ب-91 93-4-15	91
مدیریت تصفیه کابلانک	کمپنی PWC	اقامه دعوا علیه کمپنی PWC	83ب-92 93-4-22	92
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	اجرای بخششی برای کارمندان مدیریت تصفیه کابلانک به مناسبت عید سعید فطر	84ب-93 93-4-23	93
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مطالبه محمد احرار سابق مشاور حقوقی کابلانک	85ب-94 93-4-25	94
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	گزارش تفتیش از اجراء مدیریت تصفیه کابلانک	86ب-95 93-5-13	95
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مقروضیت محترمه خانم ملالی انس	87ب-96 93-5-14	96
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مطالبه پرداخت مبلغ یکصد و یک میلیون و چهارصد و چهل و هفت هزار و هفتصد و نود دالر امریکایی به حساب وزارت مالیه	88ب-97 93-5-18	97
مدیریت تصفیه کابلانک	گلپهار حبیبی	پرداخت مطالبه 3 تن از مشتریان گلپهار تاورز	89ب-98 93-6-5	98
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	منظوری فروش 50 عراده موتر ماز روسی کابلانک برای شرکت فراغت	90ب-99 93-6-30	99

مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مطالبه محترم انجنیر محمد افضل حبیب	100-91ب-93-7-5	100
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	تشکیل و بودجه مدیریت تصفیه کابلانک از اول عقرب الی 29 حوت 1393	101-92ب-93-8-17	101
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	فروش 4 باب کانتینر کانکس کابلانک واقع ولسوالی های چهاراسیاب و ده سبز کابل	102-93ب-93-8-20	102
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	واگذاری زمین کابلانک واقع شهر نو کابل برای خلیل خدران	103-94ب-93-9-3	103
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	پرداخت مطالبه 2 تن مشتریان شهرک دوستی فهرست پنجم	104-95ب-93-9-15	104
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مقروضیت محترم میرزامحمد یارمند	105-96ب-93-9-16	105
وزارت مالیه و دافغانستان بانک	مدیریت تصفیه کابلانک	پلان انحلال مدیریت تصفیه کابلانک	106-97ب-93-9-18	106
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	انتقال و استرداد جایداد های منقول و غیر منقول کابلانک در دویی	107-98ب-93-10-1	107
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	تعدیل در تشکیل پیشنهادی مدیریت تصفیه کابلانک	108-99ب-93-10-3	108
مدیریت تصفیه کابلانک	شرکت آریانا استیل	مقروضیت شرکت آریانا استیل	109-100ب-93-10-8	109
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	پرداخت فیس حفظ و مراقبت 33 باب اپارتمان گلپهار سنتر	110-101ب-94-1-8	110
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	تشکیل و بودجه مدیریت تصفیه کابلانک	111-102ب-94-1-19	111
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	پیشنهاد مصارف کرایه تعمیر و امنیتی مدیریت تصفیه کابلانک	112-103ب-94-2-1	112
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	تعیین سرپرست برای مدیریت تصفیه کابلانک	113-104ب-94-3-26	113
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	مساعدت کارایی برای کارمندان تنقیض شده مدیریت تصفیه کابلانک	114-105ب-94-4-6	114
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	اجرای بخششی برای کارمندان مدیریت تصفیه کابلانک به مناسبت عید سعید فطر	115-106ب-94-4-21	115
مدیریت تصفیه کابلانک	کابلانک	انتصاب مدیر جدید، مدیریت تصفیه کابلانک	116-107ب-94-4-22	116
مدیریت تصفیه کابلانک	شرکت زهرا برشنا	مطالبه شرکت زهرا برشنا از بابت تهیه و طرح پلان مهندسی تعمیر کابلانک	117-108ب-94-6-11	117
مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	تقرر یک نفر همکار اداری در مدیریت تصفیه بانک انکشافی افغانستان	118-109ب-94-7-19	118
مدیریت تصفیه کابلانک	مدیریت تصفیه کابلانک	تصویب پلان انحلال مدیریت تصفیه کابلانک	119-110ب-94-9-9	119
مدیریت تصفیه کابلانک	وزارت مالیه	منازعه مدیریت تصفیه کابلانک با وزارت محترم مالیه	120-111ب-95-10-11	120
مدیریت تصفیه کابلانک	شفیق الله سلیم پویا	منازعه میان شفیق الله سلیم پویا و تلویزیون باخترو مدیریت تصفیه کابلانک	121-112ب-95-10-25	121

شرکت زهرا برشنا	کمیسیون ح.م.م	مطالبه زهرا برشنا در ارتباط به تطبیق تصویب شماره 117-ب 108 1394 کمیسیون ح.م.م	113ب-122 95-12-18	122
اولین بانک قرضه های کوچک	عبدالهادی و فضل هادی	دعوی اولین بانک قرضه های کوچک، مبنی بر حاضر نشدن عبدالهادی و فضل هادی بخاطر عدم پرداخت مقروضیت خویش	114ب-123 96-1-23	123
اداره اترا	شرکت مخابراتی MTN	وضع جریمه یک ملیون افغانی از جانب اداره اترا علیه شرکت مخابراتی MTN	10م-124 96-3-17	124
محمد نبی	یونایتد بانک	دعوی محمد نبی علیه افغان یونایتد بانک مبنی بر برداشت و انتقال پول از حساب مشترک	115ب-125 96-4-11	125
باختر بانک	امید جلالیان	دعوی باختر بانک، مبنی بر حاضر نشدن امید جلالیان بخاطر تصفیه 172200 دالر مقروضیت اش که از بانک به شکل تضمین بانکی اخذ نموده	116ب-126 96-4-27	126
اداره اترا	شرکت مخابراتی روشن	وضع جریمه یک ملیون افغانی از جانب اداره اترا علیه شرکت مخابراتی روشن	11م-127 96-5-15	127
رئیس شرکت ساختمانی پیکار بلخ	غضنفر بانک	اعتراض هدایت الله رئیس شرکت ساختمانی پیکار بلخ بخاطر چارج نمودن تکتانه بعد از صدور حکم محاکم ذیصلاح مبنی بر فروش جایداد تحت تضمین بانک	117ب-128 96-10-3	128
شرکت تجارتي الهام احسام لمیتد	غضنفر بانک	دعوی غضنفر بانک علیه شرکت تجارتي الهام احسام لمیتد بخاطر عدم تصفیه مقروضیت اش	118ب-129 96-12-21	129
اداره اترا	شرکت مخابراتی روشن	اعتراض بر جریمه های وضع شده علیه شرکت مخابراتی روشن	12م-130 96-12-27	130
اداره اترا	شرکت مخابراتی اتصالات	اعتراض بر جریمه های وضع شده علیه شرکت مخابراتی اتصالات	13م-131 96/12/27	131
اداره اترا	شرکت مخابراتی MTN	اعتراض بر جریمه های وضع شده علیه شرکت مخابراتی MTN	14م-132 96/12/27	132
اداره اترا	شرکت مخابراتی افغان بیسیم	اعتراض بر جریمه های وضع شده علیه شرکت مخابراتی افغان بیسیم	15م-133 96/12/27	133
غضنفر بانک	شرکت تجارتي حاتم نوید لمیتد	دعوی غضنفر بانک علیه شرکت تجارتي حاتم نوید لمیتد بخاطر عدم تصفیه مقروضیتش	119ب-134 97-1-18	134
شرکت تجارتي و لوژستیکی مهر و برادران لمیتد	اداره تدارکات اداره امور ج.1.1	واریز کردن پول تضمین اجرای حُسن قرارداد شرکت تجارتي و لوژستیکی مهر و برادران لمیتد به حساب دولت	120ب-135 97-1-18	135
شرکت مخابراتی نارت تیلیکام	اداره اترا	جریمه شدن شرکت مخابراتی نارت تیلیکام از جانب اداره اترا	16م-136 97-2-22	136
شهر داری ولایت پنجشیر	مدیریت تصفیه کابل بانک	منزاعه بر سر موازی 3600 متر مربع زمینی که از سوی شاروالی ولایت پنجشیر به کابل بانک وقت به فروش رسیده است	121ب-137 97-5-24	137
پشتنی بانک	شرکت جاویدان لمیتد	ادعای شرکت جاویدان لمیتد علیه پشتنی بانک به ارتباط مبلغ بیست ملیون هفتصد و هفتاد هزار افغانی قرضه	122ب-138 97-9-15	138
بانک ملی افغان	شرکت ساختمانی اتفاق فقیر	اعتراض شرکت ساختمانی اتفاق فقیر بر مطالبه باقیمانده دیون شرکت ساختمانی کوه البرز از سوی بانک ملی	123ب-139 97-9-6	139
اداره تنظیم خدمات مخابراتی (اترا)	شرکت های مخابراتی افغان بیسیم، روشن، اتصالات، ام تی ان و افغان تیلیکام	اعتراض شرکت های مخابراتی بر سر وضع فیس بر شماره ها، از سوی اداره تنظیم خدمات مخابراتی (اترا)	17م-140 97-9-20	140
میوند بانک	شرکت ساختمانی امید ورلد وایت	منزاعه بر سر رهایی تضمین جایداد های که در بدل قرضه مبلغ (2500000) دو ملیون و پنجصد هزار دالر امریکایی طور بیع جایزی	124ب-141 97-11-13	141

		در اختیار میوند بانک قرار داده شده است.		
مدیریت تصفیه بانک تجاری افغانستان	شرکت المدینه گروپ	دعوی شرکت المدینه گروپ به ارتباط عدم ثبت مطالبه اش از سوی مدیریت تصفیه بانک تجاری افغانستان	142-ب-125 7-12-97	142
اداره اترا	شرکت مخابراتی اتصالات	وضع مبلغ دونیم ملیون جریمه از جانب اداره اترا بالای شرکت مخابراتی اتصالات مینی بر فعال کردن کریر کود (073) بدون مجوز اداره مذکور	143-م-18 3-1-98	143

آدرس، شماره تماس و ویب سایت کمیسیون حل منازعات مالی غرض کسب معلومات بیشتر هموطنان عزیزف قرار ذیل است:

آدرس: چهارراهی دهمزنگ، عقب خانه علم و فرهنگ شوروی سابق، کابل افغانستان

شماره های تماس: 0202510613

ویب سایت: www.fdrc.gov.af